خبر

وزیر اقتصاد در اجلاس بانک جهانی:

طفره بانک جهانی از همکاری با ایران

■ **ایسنا:** وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه مدیریت نهادهای مالی و پولی جهانی از جایگاه تخصصی خود دور افتاده و دنباله روی اراده و مقاصد سیاسی برخی کشورها شده‌اند، تصریح کرد: تحریم‌های غیرمنصفانه مالی کشورهایی چون ایران و تعقیب اراده برخی کشورها از سوی بانک جهانی در تنظیم مناسبات خود با ایران از مصادیق این امر هستند. شمس‌الدین حسینی در اجلاس سالانه ۲۰۱۱ گروه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در نیویورک طفره رفتن مدیریت بانک جهانی از پرداخت اقساط وام‌های توسعه‌ای، تصویب سند همکاری کشوری (CAS) و همکاری‌های فنی با ایران را خلاف اساسنامه این بانک ذکر کرد. حسینی خاطرنشان کرد: اینجانب به عنوان یک سهامدار بانک جهانی و نماینده کشوری که از موسسان بانک جهانی است، بار دیگر به وفاداری مدیریت بانک جهانی به اساسنامه، حکمرانی خوب و شرکتی به جای حکمرانی سیاسی تاکید می‌کنم.

خودکشی رییس بانک در کره‌جنوبی به اتهام فساد مالی

■ **ایسنا:** رییس یکی از بانک‌های کره‌جنوبی که به فساد مالی متهم شده، خودکشی کرد. فایننشال تایمز گزارش داد که جئونگ جو هائنگ، رییس بانک پس‌انداز Jeil 2 کره‌جنوبی در دفتر کارش در سئول خودکشی کرده است. وی خود را از طبقه ششم ساختمان بانک به بیرون پرت کرده است. گفته می‌شود این اتفاق پس از آن افتاد که ماموران دادستانی برای بازداشت او و برخی از مسوولان این بانک که به تخلفات مالی متهم هستند، سرزده وارد اداره مرکزی این بانک در سئول شدند. پلیس می‌گوید تحقیقات درباره مرگ او ادامه دارد. بانک پس‌انداز کره‌جنوبی یکی از هفت بانکی است که به فساد مالی متهم شده است. دولت کره فعالیت ۱۶ بانک از ۱۰۵ بانک پس‌اندازی این کشور را به دلیل زیان‌های سنگین متوقف کرده است. پیشتر نیز کی جانگ هو، معاون رییس بخش نظارت بر خدمات مالی کره پس از آنکه با سوالات متعدد نمایندگان پارلمان این کشور درباره اتهام رشوه‌گیری مواجه شد، خود را به رودخانه هان پرتاب کرد. اگرچه او در نهایت نجات پیدا کرد.

سقوط ۱۷۵دلاری قیمت طلا در بازارهای جهانی

■ **فارس:** قیمت جهانی طلا طی سه روز پایانی هفته گذشته ۱۷۵ دلار در هر اونس کاهش یافت تا نشان دهد این فلز آن‌گونه که تصور می‌شود منبع چندان امنی برای سرمایه‌گذاری نیست. در حالی که طی روز چهارشنبه هر اونس طلا در برابر هزار و ۸۱۴ دلار معامله می‌شد این رقم در پایان معاملات هفته در روز جمعه به هزار و ۶۳۹ دلار رسید. بدین‌ترتیب فقط در سه روز قیمت این فلز ۱۷۵ دلار کاهش داشته است. این افت قیمت طلا در ۲۸ سال گذشته سابقه نداشته است. همچنین بر اساس گزارش بلومبرگ از ارزش بورس‌های جهان در هفته گذشته ۳/۴ تریلیون دلار کاسته شد. شاخص استاندارد اند پورز آمریکا به پایین‌ترین سطح طی ۹ ماه گذشته رسید.

کاهش قیمت سکه به ۵۳۰ هزار تومان

■ **فارس:** رییس اتحادیه کشوری طلا و جواهر گفت: در حالی کاهش ۱۵۶ دلاری قیمت طلا در بازارهای جهانی را شاهد بودیم که پیش‌بینی می‌شود فردا قیمت هر قطعه سکه بهار آزادی طرح جدید با حدود ۹۰ هزار تومان کاهش به ۵۳۰ هزار تومان برسد. محمد کشتی‌آرای در واکنش به سقوط آزاد قیمت جهانی طلا طی سه روز گذشته گفت: عامل اصلی نوسانات قیمت طلا این روزها، مشکل اقتصادی اروپا و به نوعی تحولات مالی و تصمیمات سران کشورهای درگیر رکود اقتصادی و مسکن‌های موقتی جهت بهبود و سر و سامان دادن به وضعیت اقتصادی و افزایش شاخص‌ها است.وی ادامه داد: در یک هفته گذشته این تفکرات در سیاست‌های اقتصادی به همراه عرضه و فروش طلا در بازارهای مالی برای به دست آوردن نقدینگی باعث شد هر اونس طلا در بازارهای جهانی با کاهش مواجه شود و از ۱۸۱۳ دلار به ۱۶۵۷ دلار برسد یعنی در یک هفته گذشته ۹/۱ درصد (۱۵۶ دلار) کاهش داشته است. وی خاطرنشان کرد: در حالی‌که در اوایل هفته گذشته هر سکه به ۶۱۵ هزار تومان رسیده بود در پایان هفته گذشته تا ۶۰۳ هزار تومان کاهش یافت و امروز که شاهد کاهش ۹/۱درصدی قیمت طلا در بازارهای جهانی هستیم پیش‌بینی می‌شود قیمت هر قطعه سکه بهار آزادی طرح جدید با حدود ۹۰ هزار تومان کاهش به ۵۳۰هزار تومان برسد.

طلاو سکه	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
بهار آزادی طرح قدیم	۶۲۸۰۰۰	-۷۰۰۰
بهار آزادی طرح جدید	۶۰۶۰۰۰	-۹۰۰۰
نیم سکه بهار آزادی	۲۸۹۰۰۰	-۳۰۰۰
ربع سکه بهار آزادی	۱۴۹۰۰۰	-۲۰۰۰
هرمثقال طلای ۱۸ عیار	۲۴۹۰۴۰	-۴۶۸۰
هر گرم طلای ۱۸ عیار	۵۴۰۴۰	-۱۰۲۰

ارز	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
دلار آمریکا	۱۲۵۴	-۱
یورو	۱۷۲۵	-۱۵
پوند انگلستان	۲۰۰۰	-۱۰
دلار کانادا	۱۲۹۰	-۱۵
یکصد ین ژاپن	۱۶۴۰	-
درهم امارات	۳۴۴	-

محمد ستاری‌فر در گفت‌وگو با «شرق» ارزیابی کرد

رشد اقتصادی امسال بدتر از سال ۸۹

ادامه از صفحه اول

از این رو باید لوایح بودجه به شدت با سیاست‌های برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی حاکم بر آن، پیوستگی و از انسجام لازم برخوردار باشد. بنابراین مطابق تعریف سازمان برنامه و بودجه و قانون محاسبات عمومی، بودجه باید اهداف، ماموریت‌ها، رویکردها، راهبردها، منابع و مصارف را به‌شکل خیلی روشن و مشخص و دقیق و شفاف بیان و تصریح کند.

براساس این مبانی لوایح بودجه این چند ساله را چگونه‌ارزیابی می‌کنید؟

چنانچه به لوایح بودجه چند سال اخیر و به‌خصوص امسال نگاه کنیم، می‌بینیم که متاسفانه لوایح بودجه لوایحی بوده‌اند که کشور ما حداقل در این صد سال گذشته طراحی و تدوین کرده است. همچنان که مقایسه لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ با لوایح صدسال گذشته مبین یک انحطاط برنامه‌ریزی، انحطاط محاسبه‌پذیری و عدم شفافیت در اقتصاد کشور ما است. به عبارتی با در نظر گرفتن اینکه امسال حدود ۶۷ سال است که از برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب گذشته است، باز این بودجه سال ۱۳۹۰ یکی از بی‌سابقه‌ترین بودجه‌هایی است که ما در این ۶۷ سال گذشته به لحاظ بی‌هدفی و بی‌انضباطی داشته‌ایم چرا که در داخل خود به‌شدت دارای گسل و گسست است و در بخش‌های آن هیچ پیوستگی و انسجامی وجود ندارد. در حالی که قانون محاسبات عمومی تصریح کرده است که بودجه سندی است که باید بین اجزای آن یک تعامل، تعادل، پایداری و توازنی وجود داشته باشد. در واقع ما در این چند سال گذشته که اوج آن را در سال ۱۳۹۰ مشاهده می‌کنیم، به لحاظ درآمدهای نفتی بسیار بالایی داشته‌ایم، که گویا تلقی دولتمردان این بوده که این منابع را هر طور که مصلحت دیده‌اند به‌شکل روزمره خرج کنند و اسم این نحوه سلیقه‌ای که دارند، روزمرگی‌هایی که دارند و خرجی که می‌خواهند بکنند را بودجه گذاشته‌اند! درحالی که همچنان که در مقدمه عرض کردم این نحوه و سلیقه‌ای خرج کردن نه با تعریفی که قانون محاسبات عمومی از بودجه کرده جور درمی‌آید نه با قانون سازمان برنامه و بودجه، نه با برنامه پنجم توسعه، نه با سند چشم‌انداز بیست ساله و نه با سیاست‌های کلی حاکم بر آن. بنابراین یک بی‌انضباطی و عدم شفافیتی در لوایح بودجه این چند سال اخیر موجود است. بعد هم آمده‌اند به‌شکل عجولانه‌ای یک سری اسنادی را جمع کرده‌اند که این اسناد در پیوند با هم نیست، ارگانیک نیست و شکل‌دهنده یک کلیت لازم نیست. درحالی که بودجه به لحاظ اینکه دربرگیرنده کل حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کلیه سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها، مناطق و استان‌های کشور است و در عین‌حال که خیلی گسترده و متفاوت است، باید دارای یک پیکره واحد و منسجم باشد. بنابراین مشاهده می‌کنیم که در طی چند سال گذشته هر سال دولت آمده است به شکل ظاهری حداقل تراز و تعادل مصارف و منابع بودجه را نشان دهد- دولت آمده است برای برقراری تراز، منابع را در بالاترین مقدار خود محاسبه کرده و مصارف را در حداقل مقدار خود تعیین کرده است- و تاکید داشته که این اعداد و ارقام درست است. در تهیه و تدوین و تنظیم برنامه و بودجه رییس دولت از اهداف رشد و تحول اقتصادی، کاهش تورم و افزایش اشتغال و... صحبت کرده اما می‌بینیم که در عمل همه چیز برعکس شده است. به‌طوری که ورودی ما به اقتصاد از حیث درآمدها و ارز نفتی حدود پنج برابر مقدار پیش‌بینی شده در قانون برنامه چهارم بوده است اما اهداف، رشد اقتصادی به یک، صفر و حتی منفی رسیده است، بیکاری افزایش و تورم رشد داشته است بنابراین، این عملکردهایی که الان می‌بینیم مغایرت جدی دارد با قوانین و مقررات کشور و رویه‌هایی که ما در این ۶۷سال داشته‌ایم. چرا که لوایح بودجه باید مطابق و متاثر از قانون محاسبات عمومی و قانون سازمان برنامه و بودجه باشد و همیشه از انضباط، ارگانیک بودن، تعهد، شفافیت و محاسبه‌پذیری و معطوف به هدف و نتیجه بودن برخوردار باشند.

برای بررسی وضعیت کنونی بد نیست کمی به عقب برگردیم. در برنامه سوم توسعه اصلاحات گسترده‌ای در نظام و ساختار بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی پیش‌بینی و انجام شد- از جمله اصلاح ساختار بودجه‌ریزی و قانون مالیات، یکسان‌سازی نرخ ارز، اصلاح نظام حسابداری بودجه، اصلاح نظام نظارت بر بودجه، اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر بودجه، تطبیق و هماهنگی نظام بودجه با استانداردهای بین‌المللی و نظام حسابداری ملی، شفافیت در ساختار درآمدها و هزینه‌ها و استفاده از طبقه‌بندی GFS و...- و در برنامه چهارم نیز سعی شد ضمن شفاف‌سازی، ارتقای بهره‌وری و افزایش اثربخشی فعالیت‌های بخش‌های اقتصادی، پیوستگی و انسجام بین برنامه اجرایی و نظام بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی در قالب برنامه‌های پنج ساله توسعه و بودجه‌های سالانه به وجود آید. ارزیابی شما از روند پیش‌بینی و انجام شده چگونه است؟ و عملکرد دولت در سال‌های ۸۴ تا ۸۸ را چگونه‌می‌بینید؟

بودجه در ایران به سبب وابستگی به درآمدهای نفتی که متعلق به ملت ایران است فقط محصول قوه‌مجریه نیست بلکه محصول کل اقتصاد است که شامل مردم، قوه‌مجریه، قوه‌مقننه و قوه‌قضاییه است، بنابراین الزاماتی نیز دارد از جمله اینکه باید در چارچوب قانونی تهیه و تدوین و به تصویب برسد و در یک چارچوب قانونی هم اجرا، نظارت و ارزشیابی شود. بگذارید کمی به عقب برگردیم، در رابطه با قانون برنامه چهارم در حالی که تمام اسناد چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی آن و خود برنامه چهارم توسعه با امضای مقام معظم رهبری، دبیر شورای نگهبان- آقای جنتی- و رییس مجلس وقت- آقای حدادعادل- ابلاغ شده بود اما در زمان اجرا دولت اعلام کرد که من این برنامه را قبول ندارم . یک وقت ممکن است رییس دولتی بیاید و بگوید من آمده‌ام مطالبات مردمی که به من رأی داده‌اند را جمع‌بندی کرده‌ام و مطابق با سلیقه‌هایی که خودم مطرح کرده‌ام، مشاهده کرده‌ام که قانون برنامه چهارم با این مسایل جور درنمی‌آید. حال سوال اینجاست که در چنین شرایطی قانون‌گذار چه می‌گوید که می‌گوید چون چنین برداشتی وجود دارد باید فورا قانون را اصلاح کرده و به‌جای آن قانون جدیدی بگذاریم اما دیدیم که نه قانونی اصلاح شد و نه قانون جدیدی وضع شد، تمام شاخص‌های کلیدی که در قانون برنامه چهارم پیش‌بینی شده بود نه‌تنها تحقق پیدا نکرد، بلکه به‌عکس انجام شد. برای مثال برخی دوستان که ناشی هستند گفتند که رشد اقتصادی هشت‌درصد رشد خیلی بالایی، آرمانی و غیرقابل تحقق بوده است و این در حالی است که اقتصادهایی مثل چین، هند، ترکیه، قطر و جمهوری آذربایجان و... رشد شتابان و بالایی دارند. در سال ۱۳۸۱ رشد اقتصادی ایران در منطقه موردنظر، سند چشم‌انداز ۷/۶درصد بوده است، در شش ماهی که ما از سال ۱۳۸۲ داشتیم و سند برنامه چهارم توسعه را تهیه و تدوین می‌کردیم، رشد اقتصادی ۷/۴درصد بوده است و بعد از آن بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اعلام کردند که ایران در منطقه منا- از مراکش تا پاکستان- بالاترین رشد اقتصادی را خواهد داشت. در این دو سال مذکور، رشد اقتصادی ترکیه حدودا زیر پنج‌درصد بوده است و ما از هر ۱۶ کشور منطقه بالاتر بودیم. بعدا مطرح شد که آیا اقتصاد کشور در سال ۸۱ و ۸۲ خوب کار کرد؟ از نظر من خیر، چون کشوری که این‌همه ظرفیت، امکانات، منابع و فرصت‌ها و استعداد دارد، آن موقع ما در یک تحرک حداقلی بودیم، اما این تحرک حداقلی رشد اقتصادی ۷/۶درصد و ۷/۴درصد را داد، آمدیم وگفتیم که بیاییم فقط یک مقدار جدی‌تر، منضبط‌تر و با تفاهم کار کنیم و این رشد ۷/۶ و ۷/۴ درصدی را به‌رقم هشت‌درصد برسانیم. بنابراین، این رشد اقتصادی هشت‌درصدی که برخی می‌گفتند آرمانی بوده در عمل با رشد ۷/۶ و ۷/۴ درصد که به هشت‌درصد نزدیک است، مواجه شد. و این در حالی بود که اقتصاد کشور از سال ۸۰ تا ۸۳ در بودجه‌هایش ۱۵/۵ میلیارد دلار هزینه می‌کرد و با این بودجه، رشد ۷/۶ و ۷/۴ درصدی تحقق پیدا کرد. در قانون برنامه چهارم تبیین شده بود که دولت مکلف است ۸۱/۶ میلیارد دلار را در پنج‌سال هزینه کند. یعنی هرسال کمی بیش از ۱۵/۵میلیارد دلار و با رقم بتوانیم رشد اقتصادی هشت‌درصد، تورم تک‌رقمی و بیکاری تک‌رقمی داشته باشیم و نرخ رشد سرمایه‌گذاری در صنایع ۱۲درصد، کشاورزی شش‌درصد و نرخ تشکیل سرمایه ثابت نیز ۱۲درصد شود- ارقام مذکور براساس عملکرد سال‌های ۸۱ و ۸۲ بود و تنها کمی بیش از مقدار عملکرد در این سال‌ها-. اما در عمل دیدیم به‌دلیل بی‌اعتقادی به قانون، قانون‌گریزی و عدم تعلق خاطری که به نهادها، سازمان‌ها، قوانین و مقررات کشور به وجود آمد و شکل گرفت، دولت به‌جای ۸۱/۶ میلیارد دلار، تا آخر سال ۸۹، ۶۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی را در بودجه به هزینه گرفت. در خود دوره قانون برنامه توسعه چهارم- از سال ۸۴ تا آخر ۸۸- به جای ۸۱/۶ میلیارد دلار، ۴۵۱ میلیارد دلار هزینه کرد. یعنی بیش از پنج برابر هزینه کرد. ورودی به اقتصاد پنج برابر شد اما خروجی و بازده به جای رشد اقتصادی هشت‌درصد به رشد یک و نزدیک صفر رسیدیم، تشکیل سرمایه ثابت کاهش پیدا کرده است و به دلیل واردات بی‌رویه تولید داخلی کاهش یافته است. این مساله نشان می‌دهد که اگر کشور بخواهد رشد و توسعه داشته باشد، مشکل در منابع نیست چراکه منابع قوی و موثر ما، نفت و درآمد ارزی حاصل از آن، چند برابر شده است و ما را به یاد این تئوری و تجربه می‌اندازد که آن دسته از کشورهایی که به رشد و توسعه سریع رسیدند با نظم، انضباط و سامان و سازمان منابع، امکانات و استعدادهایشان به این مهم دست یافته‌اند نه با منابع زیاد و گواه آن هم تجربه کشورهایی چون کره جنوبی، مالزی، اندونزی، ترکیه، چین و هند و... است. اما در کشور ما دولت در طول برنامه چهارم، از سال ۸۴ تا ۸۸، ۴۵۱ میلیارد دلار و از زمان تشکیل دولت نهم و دهم، تاکنون ۶۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته است. همان‌گونه که می‌دانید، اوج فعالیت‌های اقتصادی در فصل بهار و تابستان است، اما به علت تاخیر در ابلاغ بودجه به دولت و سپس سازمان‌ها و دستگاه‌ها، عملا فرصت طلایی برای فعالیت اقتصاد را از دست داده‌ایم و اصلا همین تاخیر در ارایه لایحه بودجه به مجلس و تصویب آن، خودش یک ضربه منفی به رشد اقتصادی است که اگر هم مثلا بنا بوده امسال رشد اقتصادی خوبی داشته باشیم به‌دلیل این تاخیر رشد اقتصادی کاهش یافته یا حتی منفی خواهد شد! و بعد هم من خودم مانده‌ام که گفته‌اند ما باید مطابق قانون برنامه پنجم رشد اقتصادی هشت‌درصدی داشته باشیم، من نمی‌توانم بفهمم که این بی‌اعتقادی به برنامه، بی‌انضباطی‌ها و هرج و مرج در لایحه بودجه و نیز با این عدم تفاهم‌هایی که بین دولت و مجلس و جناح‌های سیاسی وجود دارد و تاخیر در تصویب و اجرای لایحه بودجه سال ۹۰ چگونه می‌تواند به ما رشد اقتصادی بدهد. این است که من فکر می‌کنم به‌دلیل شرایطی که بین دولت و مجلس وجود دارد، رشد اقتصادی امسال‌مان از سال قبل هم بدتر خواهد شد و نکته دیگر اینکه من با توجه به تجاربی که داشته‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که هر سالی که در ایران به‌خصوص بعد از انقلاب، ما انتخابات داشتیم، در آن سال به‌دلیل نزاع جناح‌های سیاسی هزینه‌های گزافی به زیان منافع و مصالح ملی‌مان به کشور تحمیل شده است و رشد اقتصادی ما در آن سال کاهش داشته است. امسال هم که انتخابات مجلس شورای اسلامی را پیش رو داریم و همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، درگیری‌ها و نزاع‌های سیاسی از هم‌اکنون فضای کشور را تحت تاثیر قرار داده است، بنابراین در این فضا بحث رشد و توسعه اقتصادی معنا و مفهوم ندارد.

اهمیت اصلاحات در نظام بودجه‌ریزی کشور در سیاست‌های کلی برنامه چهارم (ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری)- از جمله موارد ۵۰ و ۵۱ سیاست‌های مزبور نسبت به اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت، تلاش برای قطع اتکای اعتبارات هزینه‌ای به درآمدهای نفتی و تامین آن از محل درآمدهای مالیاتی و اختصاص عواید حاصل از منابع نفتی برای توسعه سرمایه‌گذاری بر اساس کارایی و بازدهی- به طور قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گرفت، عملکرد دولت در این مورد را طی زمان پیش‌بینی و طی‌شده چگونه تحلیل می‌کنید؟

بنا بود دولت در طی برنامه چهارم توسعه ۸۱/۶ میلیارد دلار از لحاظ ارزی منابع نفتی را برای رشد اقتصادی به خدمت بگیرد و مابقی را در حساب ذخیره ارزی بگذارد، همچنین بنا بود که طبق سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه چهارم در سال آخر برنامه- پایان سال ۸۸- دولت آن ۱۵/۵ میلیارد دلار برداشت حاصل از درآمد ارزی را در خدمت بخش عمرانی به کار بگیرد و بودجه جاری از محل مالیات‌ها شکل بگیرد. این یک رویکرد عمیق و متخصصانه‌ای بود که در بالاترین سطح حاکمیت طرح و بحث شد تا بودجه جاری دولت از محل مالیات‌ها تامین شود و حجم دولت از لحاظ اقتصادی متناسب شود. چراکه تامین مالی بودجه جاری دولت از محل مالیات‌ها به دولت یک احساس و تفکری می‌دهد که نزد مردم خضوع کند، به آنها احترام بگذارد، بخش خصوصی و تولید را تکریم بدارد تا بتواند از محل پرداخت‌های مالیاتی آنها به دولت بودجه جاری خودش را شکل بدهد. اما وقتی که اتکای دولت به درآمدهای نفتی است و نه درآمد مالیاتی بنابراین خودش را مستقل و بیگانه با مردم و بخش‌خصوصی می‌بیند. این است که در بند ۴۲ سیاست کلی، بند ۵۰ ، ۵۱ و ۵۲ برنامه چهارم گفته شده بود، دولت باید در برنامه چهارم بودجه جاری را از محل مالیات‌ها تامین و درآمد نفتی را نیز صرف سرمایه‌گذاری‌های مولد کند، از انضباط مالی برخوردار باشد و همیشه منابع و مصارفش در تعادل و توازن باشد، این بندهایی بود که رهبری نظام نیز آنها را تایید و ابلاغ کرده بود.

اما می‌بینیم که دولت بیشترین بی‌توجهی را به این بندهای ابلاغی داشته است. دولت در عمل به‌جای ۸۱/۶ میلیارد دلار در طول برنامه چهارم، ۴۵۱ میلیارد دلار هزینه کرده- بیش از پنج برابر- و حساب ذخیره ارزی باید حدود ۳۰۰ میلیارد دلار ذخیره می‌داشت، بعد هم اگر این مبلغ آن‌گونه که پیش‌بینی شده بود به بخش خصوصی وام داده می‌شد، تا آنها نسبت به سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه جدید اقدام می‌کردند و بعد هم اصل و بهره آن را هم به‌صورت دلاری برمی‌گردانند الان آن ۳۰۰ میلیارد دلار بالغ بر ۳۵۰ میلیارد دلار می‌شد و حساب ذخیره ارزی پرپول می‌شد و بخش خصوصی نیز رشد یافته و توانمندتر می‌شد. از طرفی، دولت نیز به‌علت عدم دسترسی به این منابع مجبور بود، قانونمند و شفاف باشد و محرک‌های لازم را به اقتصاد بدهد تا بتواند مالیات بگیرد و از این محل خودش را تامین مالی کند. اما اینها همه از اموری است که در جهت عکس به آن عمل شده است و منجر به این شده که یکی از وابسته‌ترین دولت‌ها و بودجه‌ها به نفت، از سال ۸۴ تاکنون شکل بگیرد.

بعد از انقلاب تا سال ۱۳۸۵، برنامه سالانه دستگاه‌های اجرایی تهیه نشده بود اما برای سال ۱۳۸۵ برنامه سالانه دستگاه‌های اجرایی تهیه و به همراه لایحه بودجه به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد و برای اولین بار سیکل بودجه برنامه‌ای- یعنی؛ برنامه بلندمدت و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، برنامه پنج ساله توسعه چهارم و برنامه سالانه ۱۳۸۵- بودجه سالانه ۱۳۸۵ تکمیل شد، تحلیل شما از هماهنگی و توازن برنامه پنجم توسعه و برنامه و بودجه سالانه سال ۱۳۹۰ با سایر اجزای سیکل بودجه برنامه‌ای ذکر شده چیست؟

بودجه ما در حدود این ۶۰ سال گذشته‌مان تقریبا در حد قابل قبولی از لحاظ حقوقی و قانونی و انضباط مالی بوده است. در برنامه چهارم نیز تاکید شده بود که با تمرکز بر نظم و انضباط مالی بتوانیم کشور را با تصمیمات متخصصانه و ارگانیک به جلو ببریم. در تدوین برنامه چهارم بر درآمدهای نفتی اتکا نشده بود بلکه بر تحرک اقتصادی مبتنی بر انضباط، بهره‌وری، کارایی، سامان و سازمان تربیت نیروی انسانی متخصص تاکید شده بود. در تدوین آن رصد همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی با استفاده از کل اطلاعات کشوری توسط سازمان برنامه و بودجه صورت گرفت که برآیند این کالبدشکافی عمیق، همه‌جانبه و کارشناسانه حاکی از کم‌کاری دولت‌ها و مردم از اول انقلاب تا سال ۸۰ بود. بعد دیده شد که نقطه شروع و کلیدی برای حل چالش‌های پیش‌رو و جبران کاستی‌های گذشته است. اینکه دولت با ایجاد انضباط و بهره‌وری در خودش، مردم و بخش خصوصی را به بهتر کارکردن تشویق و تحریک کند و خودش را نیز سازمان و سامان متناسب بدهد. بر این اساس، سازمان برنامه و بودجه چشم‌اندازی تهیه‌کرد و به دولت، مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارایه کرد و در نهایت آنها و نیز رهبری نظام با اعمال ملاحظاتی آن را امضا و ابلاغ کردند. در چارچوب تحلیل‌های چشم‌انداز مطرح شده بود که با توجه به ظرفیت‌ها و منابع فراوانی که داریم و به لحاظ استعدادهای انسانی و مسایل ژئوپلیتیک و ژئوجغرافیایی، منابع نفت و گاز و معادن غنی و... که داریم باید به جایگاه زیبنده و متناسب با آن نیز برسیم و بهتر عمل کنیم. براساس همین سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی برنامه چهارم تهیه و تدوین شد و نقش و سهم دولت و بخش خصوصی و... در آن مورد طرح و بحث و تحقیق قرار گرفت و تاکید شد که بودجه‌ها باید براساس سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه چهارم تهیه و تنظیم شوند.

ادامه در صفحه ۵

عکس: بهنام مؤذن

■ مقایسه لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ با لوایح این صد سال گذشته، مبین یک انحطاط در برنامه‌ریزی، و در محاسبه‌پذیری و عدم شفافیت در اقتصاد کشور ما است.

■ تلقی دولتمردان این بوده که این منابع را هرطور که مصلحت دیده‌اند به‌شکل روزمره خرج کنند و اسم این نحوه سلیقه‌ای که دارند، روزمرگی‌هایی که دارند و خرجی که می‌خواهند بکنند، را بودجه گذاشته‌اند.

■ ورودی ما به اقتصاد از حیث درآمدها و ارز نفتی حدود ۵ برابر مقدار پیش‌بینی‌شده در قانون برنامه چهارم بوده است، اما اهداف، رشد اقتصادی به یک، صفر و حتی منفی رسیده است، بیکاری افزایش داشته و تورم رشد داشته است.

■ در قبال این‌همه بی‌انضباطی هیچ‌کدام از مراجع حقوقی و قضایی نیامدند از دولت پرسش و تخلفاتش را مطرح کنند.

■ فکر می‌کنم به‌دلیل اختلاف‌هایی که بین دولت و مجلس وجود دارد، رشد اقتصادی امسال‌مان از سال قبل هم بدتر خواهد شد.

■ دولت در عمل، به‌جای ۸۱/۶میلیارد دلار در طول برنامه چهارم، ۴۵۱میلیارد دلار هزینه کرده -بیش از پنج برابر- و حساب ذخیره ارزی باید حدود ۳۰۰میلیارد دلار ذخیره می‌داشت.

گذر

نفت ایران ۱۰۹ دلار شد

سقوط نفت جهانی به زیر ۸۰ دلار

■ **خبرآنلاین:** در حال حاضر هر بشکه نفت خام سبک ایران ۱۰۹ دلار و ۴۲ سنت و هر بشکه نفت سنگین ایران ۱۰۷دلار و ۱۵ سنت معامله می‌شود. در شرایطی که بهای هر بشکه نفت در بازار اروپا همچنان بالای صد دلار است بهای هر بشکه نفت در بازار نیویورک به زیر ۸۰ دلار سقوط کرد و فاصله میان قیمت نفت اروپا با آمریکا را افزایش داد. این درحالی است که هر بشکه نفت ایران همچنان بیش از ۱۰۹ دلار معامله می‌شود. براساس این گزارش، درحال حاضر هر بشکه نفت خام سبک ایران ۱۰۹ دلار و ۴۲ سنت و هر بشکه نفت سنگین ایران ۱۰۷دلار و ۱۵ سنت معامله می‌شود. براین اساس در حال حاضر بهای هر بشکه نفت پایه آمریکا (وست تگزاس اینترمدییت) در بازار بین‌المللی نیویورک برای تحویل در ماه نوامبر به ۷۹ دلار و ۸۹ سنت رسید. به گزارش خبرگزاری بلومبرگ، قیمت هر بشکه نفت برنت به ۱۰۳ دلار و ۹۷ سنت رسید.

قطر ثروتمندترین کشور جهان شد

■ **ایسنا:** قطر بالاترین درآمد سرانه را براساس شاخص قدرت خرید در بین کشورهای جهان به خود اختصاص داد. صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد که قطر با پیشی گرفتن از لوکزامبورگ به ثروتمندترین کشور جهان از نظر شاخص قدرت خرید تبدیل شده است. براین اساس سرانه تولید ناخالص داخلی در قطر به ۸۱ هزار و ۴۶۶دلار رسیده است. این رقم تقریبا دو برابر سرانه تولید ناخالص داخلی آمریکا است. آمریکا با سرانه ۴۶ هزار و ۸۶۰ دلار در رده هفتم ثروتمندترین کشورهای جهان قرار گرفته است. بریتانیا با سرانه ۳۵ هزار و ۵۹ دلار در این رده‌بندی بیست و یکم شد. فرانسه نیز با سرانه ۳۳ هزار و ۹۱۰ دلار رده بیست و سوم را به خود اختصاص داد. ژاپن، کره‌جنوبی و چین نیز به ترتیب با سرانه‌های ۳۳ هزار و ۸۵۵، ۲۹ هزار و ۹۹۷ و هفت هزار و ۵۴۴ به ترتیب دررده‌های ۲۴، ۲۶ و ۹۴ قرار گرفتند.

وزارت اقتصاد دو مدیر بانکی را برکنار می‌کند

■ **ایسنا:** منابع مطلع در وزارت امور اقتصادی و دارایی از احتمال تغییر در مدیرعاملی بانک‌های درگیر در اختلاس اخیر خبر می‌دهند. در پی سوءاستفاده مالی چند هزار میلیارد تومانی اخیر که چند بانک بزرگ کشور را درگیر خود کرده است خبرنگار ایسنا مطلع شد که وزارت امور اقتصادی و دارایی در حال بررسی و تصمیم‌گیری به منظور تغییر مدیرعامل دو بانک است. هر چند از بانک‌هایی که احتمال تغییر در مدیریت آنها بررسی شده نامی برده نشده است اما هشت بانک بزرگ دولتی و خصوصی در زمینه این اختلاس و سوءاستفاده مالی به شکل مستقیم و غیرمستقیم درگیر بوده‌اند.

ادامه از صفحه ۳

دانشگاه را نمی‌توان با بخشنامه اداره کرد

... ولی این نوع تفکیک به نظر من معلول است و نوعی بدسلیقگی است و حتی معتقدم به آن نتیجه‌ای که می‌خواهند، نمی‌رسند. از اینکه متانت در نمی‌آید. این روش‌ها جواب نمی‌دهد و حاصلش لاابالی‌گری به معنای رها شدگی از روی لج خواهد بود.

بحث حذف علوم غربی هم مدتی است مطرح می‌شود، این نگاه به علوم انسانی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

هیچ علمی تولید نمی‌شود، مگر اینکه شما در زمینه تولید آن به تولید انبوه برسید، در واقع علم زمانی ایجاد خواهد شد که ما تولید انبوه داشته باشیم. حال چه زمانی به تولید انبوه می‌رسیم، زمانی‌که آزادی آکادمیک داشته باشیم. بحث نظریه‌پردازی بحث بسیار خوبی است و بر ایجاد کرسی‌های نظریه‌پردازی هم تاکید شده است اما با بخشنامه که نظریه تولید نمی‌شود. وقتی جلوی تولد انبوه گرفته شود و همه چیز مردود شود، نظریه‌ای تولید نخواهد شد که اگر تولید هم بشود، اصولا به کار نخواهد آمد و ناکارآمدی خودش را نشان خواهد داد. همه افتخار ما به تمدن اسلامی به اواسط قرن سوم تا اوایل قرن ششم باز می‌گردد. اما چه شد که تمدن اسلامی گل کرد و به یک رفرنس تبدیل شد؟ باید تلاش کرد که نظریه به مساله روزمره سیاست تبدیل نشود و الا ما در عرصه سیاست هم به نظریه نیازمندیم. بنابراین نظریه امکانی جز تولید انبوه ندارد و تولید انبوه هم وقتی صورت بگیرد، طبیعی است که در مواردی ایراد خواهد داشت.

پس با این وصف آیا با نوع عملکرد فعلی ما به تولید نظریه خواهیم رسید؟

متاسفانه شیوه کنونی به نظریه‌پردازی نخواهد انجامید و مدلی که بتوان آن را عرضه کرد، ایجاد نمی‌کند. درحالی که ۸۰درصد نظریه‌پردازان اسلامی ایرانی هستند. شش کتاب اصلی اهل سنت و چهار کتاب اصلی شیعه را ایرانی‌ها تولید کرده‌اند و علت آن چیزی جز آزادی اندیشه نبوده است. بنابراین این نحوه برخورد با علوم انسانی لازمه‌اش احساس امنیت برای تولید انبوه است وگرنه با این وضع ما به تولید علوم انسانی نمی‌رسیم و همچنان اقتباس‌گر خواهیم ماند.